

# افغانستان در قرن ۱۹

در دوران خلافت ابن کبیر شهبانی که در کتابیل اتفاق می افتاد تغییرات مهمی در اوضاع احوال آنکلیسها  
 نیز صورت گرفته از یک طرف جنرال Elphinstone فو ماندهای فوای انگلیس را  
 عوض (لاردر کین) در کتابیل بدست گرفت و از طرف دیگر امکنه تن به حکومت پیشینی معمر شده  
 و تهیه حرکت خود را داشت. جانشین او هنوز معلوم نبود از طرفی هم در قندهار نماینده سیاسی  
 انگلیس (میجر لیچ) تبدیل و سرهنگری را ولایت بجای او مقرر شده جنرال (نات) فو ماندهای عسکری  
 آنو لاردر کین گرفته بود. و این تغییرات از یکسو برخلاف عقاید آرامی و امنیت افغانستان را که  
 نظریه رایوزهای نماینده کتابیل انگلیس از کتابیل در نظر حکومت هند بر طایفه قائم شده بود  
 نشان میداد و از طرف دیگر از تغییرات اساسی در مآوری سرحدات افغانستان نماینده گنی میگردید  
 که باغای نیمی بافتن حکومت مقتدر یک در پنجاب و رفع غارتگری بلوچستان و وضعیت را در افغانستان  
 برای انگلیس هاما چون در روی هم گرفته آغاز یک دوره امن و امان را پس از دو سال  
 آشوب معرفی می کرد. (۱) یک روزی در شب آنگاه از آغاز عقاید  
 با وجود این نظریات باز هم در حقیقت به تنها در کتابیل مقدمات قیام عمومی بطور  
 خفیه چیده میشد بلکه در دیگر نقاط افغانستان نیز درین وقت آرامی و امنیت چنانچه  
 انگلیس ها تصور کرده بودند. وجودنداشت (۲) در قندهار اختر خان زمین داری

- رسالت او در جواب کتبی است که خطوط میخی پستون ایران را کشف کرد و در جنگ دوم  
 افغان رول مهمی داشته و از طرف قداران جدی سیاست پیشقدمی در افغانستان بشمار میرفت  
 و کتابی نسبت به افغانستان هم دارد.
- (۳) واقعات پنجاب و بلوچستان تفصیلی علامه بکارت دارد مختصر آعرض می شود که در

سال ۱۸۳۹ ع (۱۲۲۵ ق) رنجیت سنگه فوت شد و نوادگان او در سر تاج و تخت باهم اتفاق  
 نتوانستند بشک نیست که دست انگلیس بزد درین هرج و مرج بی دخل نبود نتیجه این شد که دولت  
 قوی سنگ شریف گردید و از اولاد رنجیت چنان شخصی که ایافت و کفایت لازمه را داشته باشد  
 بمیان نیامد. اگر چه بعد از انقلابات فوج در سال ۱۸۴۱ ع (۱۲۵۷ ق) شیر سنگ حکومت  
 نسلی آرامی قائم گردان بکن تا از انقلابات دیگر رخ داد تا اینکه در سال ۱۸۴۸ ع انگلیس ها  
 خود را جانشین سنگ ها اعلام و پنجاب و پشت درو کشه بر او تیر و تیراجات را بخود ملحق کرد بدین قسم  
 داستان ولایت افغانی بلوچستان هم طولانی و اسف انگیز است طوری که در ۱۰ و ۲ جای دیگر  
 اشارت شده بود انگلیس ها مجرب افغان را که به تاج و تخت افغانستان صداقت داشت و ازین سبب  
 در لشکر کشی انگلیس کمک نکرد و بقتل رسا نمیده پس را پیش راهروم امارت قرار دادند و شهبان از خان  
 رفتن او را روی کار آوردند لیکن او هم کاری از پیش برده نتوانست و باز دیگر مجبور  
 شدند ازین دست نشانده خود صرف نظر و پسر خان مقتول را با ۱۰ امارت بر داند و ولی از هم چون  
 انگلیس ها کنترل فطنی را بر بلوچستان مخصوصا ولایت شال (کوابنه) (بقیه در صفحه ۱۹۲)

خود آورده بر آن عمل نمائیم. مثلا شخصی گمراه بیدین عمل نیک داشته باشد علم انقلاب بمقابل انگلیس پرافراشته وانگلیس هارا پریشان ساخته بود. علاوه در روز پری خوگبانی در سمت مشرقی نیز افغان شایر رخ داده وانگلیس هابرای رفع آن به لشکر کشی مبادرت کرده بودند. در کوهستان هنوز عناصر مخالف فعالیت داشتند و از فراز کوهها وورای دره ها در مواقع فرصت فد علم می کردند و اسباب آزار و پریشانی انگلیس را فراهم می ساختند و با اینکه جنرال ( سیل ) برای فرو نشاندن این بغاوت ها واگشتن روح ملی ار شدت کنار گرفته و عرصه را برین مجاهدین تنگ ساخته بود اما روح آزادی خواهی افغانها قابل شکست نبود و بطوریکه خود صاحب منصبان انگلیس اعتباری نگرفتند و ایند روح مقاومت و عدولت را در پی بردند و در پی شدت پیش می رفتند.

خلاصه این بود و نسبت عمومی افغانستان در سه سال تسلط سیاسی و نظا می انگلیس که از آغاز تا انجام باعکس العمل عمومی و خود بخودی شدید و دامنه دار ملت مواجه گردید و در آوان اخیر روح انقلاب نا پذیر افغانی بکلی بی حوصله شده و با شورش عمومی یا بین دوره تسلط بیگانه گان آمیخته با ظلم و رشده در خانه داده خاک که با کت وطن را از وجود اجانب و متجاوزین زهوا و جوانان و دست نشاندگان این ولواز خودشان و از سلالة شاهان بزرگ و حقدار شان بود با کت ساختند.

## فصل شانزدهم

### شورش ملی گان و عواقب آن

اشخاص صاحب فکر در اوائل خزان ۱۲۵۸ هـ ق ( ۱۸۴۱ ع ) از هوا و فضا حس میکردند که طوفان آمدنی است و همچنان ملت با انفعال و رشدی ظهور خواهد کرد چه بعد از عهد و بیبهان ماه سنبله و مجالس خفیه و هلنی

( بقیه از صفحه ۴۳ )  
 که در افغانستان بودند در نظر داشتند در قلات انقلاب رخ داده نمایند گان انگلیسی بقتل رسیدند و فقط و رفتی این غایبه فرو نشست که انگلیس ها از قندهار عسکر اعزام و قلات را اشغال کردند و از خان قلات بنام شامشجاع قزلباشی گرفتند ( ۱۶ اکتوبر ۱۸۴۱ ع ) ( ۱۲۵۷ هـ ق ) که بموجب آن میر نصیر خان متمهد شده که در شهر کویته و ولایت شمال را به حکومت افغانستان واگذار شده خود و جانشینان خود در تابع سلاطین گانال بشناختند چنانچه اجداد او تا تعیین اجداد یاد شده موصوف بودند و علاوه خان قلات بموجب این متمهد گردید که بدون استعاضا حکومت برطانیه شامشجاع الحدک بدول خارجی رو ابطی نداشته باشد ( رساله معاهدات دولتی و منی عهدیه ) از ۱۸۳۴ ع ( صفحه ۲۵ و ۲۶ ) — در اینجا این نکته قابل توجه است که تا این زمان هیچ کویته و بلوچستان هر بوطه به تاج افغانستان است و بعدها دیدند خواهد شد که چطور بر بلوچستان موا رفقه افغانستان آنرا جدا میکنند )

براساس درخواستی که تحت حمله مشروطیت اقماع شده بود از بالا حضرات امفاد فکری خواسته بود

زیاد شد مبرفت. مقرر شد در روز بروز از حکومت بیشتر و نمایان تر به تمام نظام و قشار و خفه و کاردین احساسات ملی و بالعاقبه حبس و نفی شدن بزرگان قوم به تحریک انگلیس و در نتیجه مطمعت عثمان خان نظام الدوله روز افزون بود. چنانچه در روزهای اخیر عبدالله خان اچکزائی و محمد عطاخان بن سندیخان بالمیزائی و عبداللثان خان بن محمد اکرم خان امین الملک (وزیر اعظم شاه محمد و...) و غلام احمد خان بن شبر محمد خان معتاد الدوله از طرف نظام الدوله امر فرار را حاصل کردند ولی بان تن ندادند و کنار را به شمشیر حواله کرده بودند. از طرف دیگر محمد شاه خان با دیگر خیل نیز با برادر و دیگر بزرگان قوم خود به مهاجرت ملحق شده و بر قوه آنکس افزوده بود. در یکی از مجالس اخیر فیصله شد که سران خاندان یارگرائی را که مخالف شاه شجاع و در تحت حمایت انگلیس در کابل بسر میبردند نیز با خود همراه ساخته و از بین ایشان سری برای اقدامات خویش انتخاب کنند که طرف احترام و تمکین همه باشد چنانچه بمباجی گری امین الله خان او گری (که در بیوقت مستقیماً از طرف نظام الدوله تهدید هم شده بود) نواب محمد زمان خان بن نواب اسدخان (نواسه پابنده خان مرحوم) و محمد عثمان خان بن نواب عبدالصمد خان و شجاع الدوله خان پسر نواب محمد زمان خان نیز همراهی خود را با مهاجرتین اعلام داشتند و مجلس ملی با اتفاق آراء نواب محمد زمان خان را بقیادت خود انتخاب کرد و فیصله شد که روز ۱۷ رمضان که یک روز متبرک اسلامی است برای آغاز عملیات انتخاب شود. چنانچه یک روز پیش از این تاریخ ذریعه شب نامه ها از آغاز عملیات به اهالی کابل خبر داده شده بود.

موهن لال مینویسد که نائب محمد شریف و تاج محمد خان و میرزاخان جوانشیر این را پورا بمن دادند و گفتند که فردا حمله شروع خواهد شد و من قوری آن را به (برنس) رساندم او در جواب گفت که ترس نشان دادن غلط است باید به قشله رفته به بینیم که چه ترتیبات میتوان گرفت. این را گفته بطرف قشله حرکت نمود و پور بین راه خط دیسگری هم که بزبان فارسی همین اطلاع را با او میداد برایش رسید و درین خط که بنام برنس با مضای مغفی تحریر یافته بود جمله ذیل نوشته شده بود: «وقت آن رسیده است که این عملیات را ترک کنید».

از طرف دیگر نظام الدوله نیز که جوانشیر او بهر طرف درگشت و گذار بودند در همین شب اطلاع یافته بود. لیکن اینکه چرا از بنکطرف ترتیبات گرفته نشد از جمله اسراری است که کشف آن معتقد میباشد اما میتوان گفت که حقایق قیام ملی و اقامت خداوندی بان دست و زبان انگلیس و انگلیس بر ستون افلیج و کدنک و عقل و اراده شان را سلب کرده بود. در روز ۱۷ رمضان طوری که مقرر شده بود علی الصباح طریقت ملک از هر طرف بمحل مو عواد که در حوالی بالا حصار مقرر نمائند گمان و صاحب متعبان انگلیس بود. مثل سبیل ریخته طبق هدایت قاتدین ملی - او تر به منزل (اسر الملک سندر برنس) که در بایان بالا حصار در محله

خرابات حالبه واقع بود هجوم بردند - موهن لال که ناظر این وقایع بود چنین مینویسد: «من خواب بودم که ملازم دروازه را بشدت کوفته فریاد کرد که شما هنوز خواب هستید و شهر چیه شده است. من بیخ بیرون شده دیدم که هر طرف دوییدن دوییدن جاری است ما به برنس پیغام کردم او قبلاً خبر شده بود. درین وقت نائب محمد شریف آدم فرستاد که به محله

دین روسانی و سلاو قطع شد و با این دست رفتن اکدام و دخلت عساگر انگلیس در فسله  
 بنیون آذوقه و الزنلق بمانندند. این امر باعث شد تا انگلیس در فسله و در فسله  
 انگلستان که قومانند این کل قوا بود. این دو فتنه مرخص بوده فکر تغلیب کابل را  
 داشت و بهتر بعد از آنکه تا جلال آباد عقب نشسته و تا بهار انتظار را بکشند و بعد با  
 قوای تازه حمله کرده کابل را پس بگیرند. اما مکنان مغز اف بود و به مشورت خود  
 برینا بشدای برای در کابل (بل اصرار می ورزیدند و عقیده داشتند که باید به اجتناب  
 همت کابل را نگه داشت و زوستان را گذاشتند و سعی کردند تا بین سران انقلابی اتفاق تو اهدا  
 و برخی طرفدار انگلیس ساخته شوند. همین فکر مکنان بود که سبب تباهی فطمی عساگر  
 انگلیس و سلب نفوذ در سوج آن در افغانستان شد. هر حال هنوز همه صاحب متصان و مامورین  
 انگلیس بیک نقطه اتفاق نکرده بودند. مکنان به موهن لال هدایت داده بود تا بار و سای  
 غلزا بی داخل مفاهمه شده آن هارا از درانی ها جدا و طرفدار انگلیس بسازد موهن لال  
 هم برای مذاکرات توسط نائب محمد شریف خان و خان شیر بنخان و دیگر طرفداران خود  
 همزه خان جا کم سابق جلال آباد را در نظر گرفته بود. مکنان برای دو نفر مد کور  
 علی الترتیب یک اسک و پنجاه هزار رپی و عده کرده و به موهن لال اختیار داده بود که  
 تا پنج لک رپی برای حصول مقصد صرف کرده میتواند و فعلاً مقدار پنجاه هزار رپی بیشکی  
 اختیار مصرف را دارد. هم گفته بود که به محمد یار خان رفیق امین الله خان لوگری و عده  
 خانی لوگر داده شود (۱)

تا روز ۲۴ رمضان تمام فله می که بین بالاحصار و جهاونی انگلیس واقع شیر پورو دا منغ  
 بی ای پورو در دست انگلیس ها بود. یکی بعد دیگری از طرف مجاهدین ملی اشغال و شاه در  
 بالاحصار و انگلیس ها در جهاونی بطور مطلق محصور شدند و مجاهدین حملات خود را در  
 فسله انگلیس نیز شروع کردند و دستهای عساگر بر طرف نوی را که روزی برای مقابله  
 حرکت میکردند شکست داده دوباره به جهاونی داخل میشدند. درین موقع بود که از سمت  
 شمال ستاره اقبال افغانان شروع کردند. کابل بی جان و بیگانهی سرو و سیمان  
 افغان غیور روح تازه و سرو سردار می نظیری را اعطا کرد. و این ستاره که بنام  
 ستارگان نوامین گفته شود سردار محمد اکبر خان غیور و سر عثمان سردار سلطان احمد خان  
 (بن سردار محمد عظیم خردان بن بن - اینده خسان مرجوم) بود  
 محمد اکبر خان که در بخارا اسپر ملته بود، اما بیکه از آغاز قیام ملی در افغانستان شدید توسط  
 هم حضرت صاحب پتخاکی عبدالشکور خان که پیرامیر بخارا بود از امیر موصوف اجازه رفتن  
 به افغانستان را حاصل و از راه بلخ و قاشقرغان به بامیان رسید و این درست در همان موقعی  
 بود که شورش ملی در کابل شروع شده و انگلیس ها از هر طرف مستأصل شده بودند. اگر چه  
 در بامیان و سپس در حوالی بخارا یکبار انگلیس ها برای جلوگیری از آمدن سرداران افغانی  
 گردید اما مساعی شان بجائی نرسید و (میرزا یا مچر) که بزرگان کوهستانی را میخواست  
 برخلاف اکبر خان برانگیزد در مساعی خود ناکام شده بمعیت (افغانها رفتن)

(۱) موهن لال، کتاب قبل آمدن کورجان، ۲ صفحه ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۱۸۸، ۱۸۹، ۱۹۰، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۵، ۱۹۶، ۱۹۷، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۴۴، ۲۴۵، ۲۴۶، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۱، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۲۵۵، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۸، ۲۵۹، ۲۶۰، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۳، ۲۶۴، ۲۶۵، ۲۶۶، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۳، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۷۸، ۲۷۹، ۲۸۰، ۲۸۱، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۸۵، ۲۸۶، ۲۸۷، ۲۸۸، ۲۸۹، ۲۹۰، ۲۹۱، ۲۹۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۵، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۱، ۳۰۲، ۳۰۳، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۰۹، ۳۱۰، ۳۱۱، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۱۷، ۳۱۸، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۱، ۳۲۲، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۵، ۳۲۶، ۳۲۷، ۳۲۸، ۳۲۹، ۳۳۰، ۳۳۱، ۳۳۲، ۳۳۳، ۳۳۴، ۳۳۵، ۳۳۶، ۳۳۷، ۳۳۸، ۳۳۹، ۳۴۰، ۳۴۱، ۳۴۲، ۳۴۳، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶، ۳۴۷، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۴، ۳۵۵، ۳۵۶، ۳۵۷، ۳۵۸، ۳۵۹، ۳۶۰، ۳۶۱، ۳۶۲، ۳۶۳، ۳۶۴، ۳۶۵، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴، ۳۷۵، ۳۷۶، ۳۷۷، ۳۷۸، ۳۷۹، ۳۸۰، ۳۸۱، ۳۸۲، ۳۸۳، ۳۸۴، ۳۸۵، ۳۸۶، ۳۸۷، ۳۸۸، ۳۸۹، ۳۹۰، ۳۹۱، ۳۹۲، ۳۹۳، ۳۹۴، ۳۹۵، ۳۹۶، ۳۹۷، ۳۹۸، ۳۹۹، ۴۰۰، ۴۰۱، ۴۰۲، ۴۰۳، ۴۰۴، ۴۰۵، ۴۰۶، ۴۰۷، ۴۰۸، ۴۰۹، ۴۱۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۴، ۴۱۵، ۴۱۶، ۴۱۷، ۴۱۸، ۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۳، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۲۸، ۴۲۹، ۴۳۰، ۴۳۱، ۴۳۲، ۴۳۳، ۴۳۴، ۴۳۵، ۴۳۶، ۴۳۷، ۴۳۸، ۴۳۹، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۴۷، ۴۴۸، ۴۴۹، ۴۵۰، ۴۵۱، ۴۵۲، ۴۵۳، ۴۵۴، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۵۹، ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۵، ۴۶۶، ۴۶۷، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۴، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۳، ۴۸۴، ۴۸۵، ۴۸۶، ۴۸۷، ۴۸۸، ۴۸۹، ۴۹۰، ۴۹۱، ۴۹۲، ۴۹۳، ۴۹۴، ۴۹۵، ۴۹۶، ۴۹۷، ۴۹۸، ۴۹۹، ۵۰۰، ۵۰۱، ۵۰۲، ۵۰۳، ۵۰۴، ۵۰۵، ۵۰۶، ۵۰۷، ۵۰۸، ۵۰۹، ۵۱۰، ۵۱۱، ۵۱۲، ۵۱۳، ۵۱۴، ۵۱۵، ۵۱۶، ۵۱۷، ۵۱۸، ۵۱۹، ۵۲۰، ۵۲۱، ۵۲۲، ۵۲۳، ۵۲۴، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۲۷، ۵۲۸، ۵۲۹، ۵۳۰، ۵۳۱، ۵۳۲، ۵۳۳، ۵۳۴، ۵۳۵، ۵۳۶، ۵۳۷، ۵۳۸، ۵۳۹، ۵۴۰، ۵۴۱، ۵۴۲، ۵۴۳، ۵۴۴، ۵۴۵، ۵۴۶، ۵۴۷، ۵۴۸، ۵۴۹، ۵۵۰، ۵۵۱، ۵۵۲، ۵۵۳، ۵۵۴، ۵۵۵، ۵۵۶، ۵۵۷، ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶، ۵۶۷، ۵۶۸، ۵۶۹، ۵۷۰، ۵۷۱، ۵۷۲، ۵۷۳، ۵۷۴، ۵۷۵، ۵۷۶، ۵۷۷، ۵۷۸، ۵۷۹، ۵۸۰، ۵۸۱، ۵۸۲، ۵۸۳، ۵۸۴، ۵۸۵، ۵۸۶، ۵۸۷، ۵۸۸، ۵۸۹، ۵۹۰، ۵۹۱، ۵۹۲، ۵۹۳، ۵۹۴، ۵۹۵، ۵۹۶، ۵۹۷، ۵۹۸، ۵۹۹، ۶۰۰، ۶۰۱، ۶۰۲، ۶۰۳، ۶۰۴، ۶۰۵، ۶۰۶، ۶۰۷، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰، ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۳، ۷۰۴، ۷۰۵، ۷۰۶، ۷۰۷، ۷۰۸، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۱، ۷۱۲، ۷۱۳، ۷۱۴، ۷۱۵، ۷۱۶، ۷۱۷، ۷۱۸، ۷۱۹، ۷۲۰، ۷۲۱، ۷۲۲، ۷۲۳، ۷۲۴، ۷۲۵، ۷۲۶، ۷۲۷، ۷۲۸، ۷۲۹، ۷۳۰، ۷۳۱، ۷۳۲، ۷۳۳، ۷۳۴، ۷۳۵، ۷۳۶، ۷۳۷، ۷۳۸، ۷۳۹، ۷۴۰، ۷۴۱، ۷۴۲، ۷۴۳، ۷۴۴، ۷۴۵، ۷۴۶، ۷۴۷، ۷۴۸، ۷۴۹، ۷۵۰، ۷۵۱، ۷۵۲، ۷۵۳، ۷۵۴، ۷۵۵، ۷۵۶، ۷۵۷، ۷۵۸، ۷۵۹، ۷۶۰، ۷۶۱، ۷۶۲، ۷۶۳، ۷۶۴، ۷۶۵، ۷۶۶، ۷۶۷، ۷۶۸، ۷۶۹، ۷۷۰، ۷۷۱، ۷۷۲، ۷۷۳، ۷۷۴، ۷۷۵، ۷۷۶، ۷۷۷، ۷۷۸، ۷۷۹، ۷۸۰، ۷۸۱، ۷۸۲، ۷۸۳، ۷۸۴، ۷۸۵، ۷۸۶، ۷۸۷، ۷۸۸، ۷۸۹، ۷۹۰، ۷۹۱، ۷۹۲، ۷۹۳، ۷۹۴، ۷۹۵، ۷۹۶، ۷۹۷، ۷۹۸، ۷۹۹، ۸۰۰، ۸۰۱، ۸۰۲، ۸۰۳، ۸۰۴، ۸۰۵، ۸۰۶، ۸۰۷، ۸۰۸، ۸۰۹، ۸۱۰، ۸۱۱، ۸۱۲، ۸۱۳، ۸۱۴، ۸۱۵، ۸۱۶، ۸۱۷، ۸۱۸، ۸۱۹، ۸۲۰، ۸۲۱، ۸۲۲، ۸۲۳، ۸۲۴، ۸۲۵، ۸۲۶، ۸۲۷، ۸۲۸، ۸۲۹، ۸۳۰، ۸۳۱، ۸۳۲، ۸۳۳، ۸۳۴، ۸۳۵، ۸۳۶، ۸۳۷، ۸۳۸، ۸۳۹، ۸۴۰، ۸۴۱، ۸۴۲، ۸۴۳، ۸۴۴، ۸۴۵، ۸۴۶، ۸۴۷، ۸۴۸، ۸۴۹، ۸۵۰، ۸۵۱، ۸۵۲، ۸۵۳، ۸۵۴، ۸۵۵، ۸۵۶، ۸۵۷، ۸۵۸، ۸۵۹، ۸۶۰، ۸۶۱، ۸۶۲، ۸۶۳، ۸۶۴، ۸۶۵، ۸۶۶، ۸۶۷، ۸۶۸، ۸۶۹، ۸۷۰، ۸۷۱، ۸۷۲، ۸۷۳، ۸۷۴، ۸۷۵، ۸۷۶، ۸۷۷، ۸۷۸، ۸۷۹، ۸۸۰، ۸۸۱، ۸۸۲، ۸۸۳، ۸۸۴، ۸۸۵، ۸۸۶، ۸۸۷، ۸۸۸، ۸۸۹، ۸۹۰، ۸۹۱، ۸۹۲، ۸۹۳، ۸۹۴، ۸۹۵، ۸۹۶، ۸۹۷، ۸۹۸، ۸۹۹، ۹۰۰، ۹۰۱، ۹۰۲، ۹۰۳، ۹۰۴، ۹۰۵، ۹۰۶، ۹۰۷، ۹۰۸، ۹۰۹، ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، ۹۱۶، ۹۱۷، ۹۱۸، ۹۱۹، ۹۲۰، ۹۲۱، ۹۲۲، ۹۲۳، ۹۲۴، ۹۲۵، ۹۲۶، ۹۲۷، ۹۲۸، ۹۲۹، ۹۳۰، ۹۳۱، ۹۳۲، ۹۳۳، ۹۳۴، ۹۳۵، ۹۳۶، ۹۳۷، ۹۳۸، ۹۳۹، ۹۴۰، ۹۴۱، ۹۴۲، ۹۴۳، ۹۴۴، ۹۴۵، ۹۴۶، ۹۴۷، ۹۴۸، ۹۴۹، ۹۵۰، ۹۵۱، ۹۵۲، ۹۵۳، ۹۵۴، ۹۵۵، ۹۵۶، ۹۵۷، ۹۵۸، ۹۵۹، ۹۶۰، ۹۶۱، ۹۶۲، ۹۶۳، ۹۶۴، ۹۶۵، ۹۶۶، ۹۶۷، ۹۶۸، ۹۶۹، ۹۷۰، ۹۷۱، ۹۷۲، ۹۷۳، ۹۷۴، ۹۷۵، ۹۷۶، ۹۷۷، ۹۷۸، ۹۷۹، ۹۸۰، ۹۸۱، ۹۸۲، ۹۸۳، ۹۸۴، ۹۸۵، ۹۸۶، ۹۸۷، ۹۸۸، ۹۸۹، ۹۹۰، ۹۹۱، ۹۹۲، ۹۹۳، ۹۹۴، ۹۹۵، ۹۹۶، ۹۹۷، ۹۹۸، ۹۹۹، ۱۰۰۰، ۱۰۰۱، ۱۰۰۲، ۱۰۰۳، ۱۰۰۴، ۱۰۰۵، ۱۰۰۶، ۱۰۰۷، ۱۰۰۸، ۱۰۰۹، ۱۰۱۰، ۱۰۱۱، ۱۰۱۲، ۱۰۱۳، ۱۰۱۴، ۱۰۱۵، ۱۰۱۶، ۱۰۱۷، ۱۰۱۸، ۱۰۱۹، ۱۰۲۰، ۱۰۲۱، ۱۰۲۲، ۱۰۲۳، ۱۰۲۴، ۱۰۲۵، ۱۰۲۶، ۱۰۲۷، ۱۰۲۸، ۱۰۲۹، ۱۰۳۰، ۱۰۳۱، ۱۰۳۲، ۱۰۳۳، ۱۰۳۴، ۱۰۳۵، ۱۰۳۶، ۱۰۳۷، ۱۰۳۸، ۱۰۳۹، ۱۰۴۰، ۱۰۴۱، ۱۰۴۲، ۱۰۴۳، ۱۰۴۴، ۱۰۴۵، ۱۰۴۶، ۱۰۴۷، ۱۰۴۸، ۱۰۴۹، ۱۰۵۰، ۱۰۵۱، ۱۰۵۲، ۱۰۵۳، ۱۰۵۴، ۱۰۵۵، ۱۰۵۶، ۱۰۵۷، ۱۰۵۸، ۱۰۵۹، ۱۰۶۰، ۱۰۶۱، ۱۰۶۲، ۱۰۶۳، ۱۰۶۴، ۱۰۶۵، ۱۰۶۶، ۱۰۶۷، ۱۰۶۸، ۱۰۶۹، ۱۰۷۰، ۱۰۷۱، ۱۰۷۲، ۱۰۷۳، ۱۰۷۴، ۱۰۷۵، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۷۸، ۱۰۷۹، ۱۰۸۰، ۱۰۸۱، ۱۰۸۲، ۱۰۸۳، ۱۰۸۴، ۱۰۸۵، ۱۰۸۶، ۱۰۸۷، ۱۰۸۸، ۱۰۸۹، ۱۰۹۰، ۱۰۹۱، ۱۰۹۲، ۱۰۹۳، ۱۰۹۴، ۱۰۹۵، ۱۰۹۶، ۱۰۹۷، ۱۰۹۸، ۱۰۹۹، ۱۱۰۰، ۱۱۰۱، ۱۱۰۲، ۱۱۰۳، ۱۱۰۴، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶، ۱۱۰۷، ۱۱۰۸، ۱۱۰۹، ۱۱۱۰، ۱۱۱۱، ۱۱۱۲، ۱۱۱۳، ۱۱۱۴، ۱۱۱۵، ۱۱۱۶، ۱۱۱۷، ۱۱۱۸، ۱۱۱۹، ۱۱۲۰، ۱۱۲۱، ۱۱۲۲، ۱۱۲۳، ۱۱۲۴، ۱۱۲۵، ۱۱۲۶، ۱۱۲۷، ۱۱۲۸، ۱۱۲۹، ۱۱۳۰، ۱۱۳۱، ۱۱۳۲، ۱۱۳۳، ۱۱۳۴، ۱۱۳۵، ۱۱۳۶، ۱۱۳۷، ۱۱۳۸، ۱۱۳۹، ۱۱۴۰، ۱۱۴۱، ۱۱۴۲، ۱۱۴۳، ۱۱۴۴، ۱۱۴۵، ۱۱۴۶، ۱۱۴۷، ۱۱۴۸، ۱۱۴۹، ۱۱۵۰، ۱۱۵۱، ۱۱۵۲، ۱۱۵۳، ۱۱۵۴، ۱۱۵۵، ۱۱۵۶، ۱۱۵۷، ۱۱۵۸، ۱۱۵۹، ۱۱۶۰، ۱۱۶۱، ۱۱۶۲، ۱۱۶۳، ۱۱۶۴، ۱۱۶۵، ۱۱۶۶، ۱۱۶۷، ۱۱۶۸، ۱۱۶۹، ۱۱۷۰، ۱۱۷۱، ۱۱۷۲، ۱۱۷۳، ۱۱۷۴، ۱۱۷۵، ۱۱۷۶، ۱۱۷۷، ۱۱۷۸، ۱۱۷۹، ۱۱۸۰، ۱۱۸۱، ۱۱۸۲، ۱۱۸۳، ۱۱۸۴، ۱۱۸۵، ۱۱۸۶، ۱۱۸۷، ۱۱۸۸، ۱۱۸۹، ۱۱۹۰، ۱۱۹۱، ۱۱۹۲، ۱۱۹۳، ۱۱۹۴، ۱۱۹۵، ۱۱۹۶، ۱۱۹۷، ۱۱۹۸، ۱۱۹۹، ۱۲۰۰، ۱۲۰۱، ۱۲۰۲، ۱۲۰۳، ۱۲۰۴، ۱۲۰۵، ۱۲۰۶، ۱۲۰۷، ۱۲۰۸، ۱۲۰۹، ۱۲۱۰، ۱۲۱۱، ۱۲۱۲، ۱۲۱۳، ۱۲۱۴، ۱۲۱۵، ۱۲۱۶، ۱۲۱۷، ۱۲۱۸، ۱۲۱۹، ۱۲۲۰، ۱۲۲۱، ۱۲۲۲، ۱۲۲۳، ۱۲۲۴، ۱۲۲۵، ۱۲۲۶، ۱۲۲۷، ۱۲۲۸، ۱۲۲۹، ۱۲۳۰، ۱۲۳۱، ۱۲۳۲، ۱۲۳۳، ۱۲۳۴، ۱۲۳۵، ۱۲۳۶، ۱۲۳۷، ۱۲۳۸، ۱۲۳۹، ۱۲۴۰، ۱۲۴۱، ۱۲۴۲، ۱۲۴۳، ۱۲۴۴، ۱۲۴۵، ۱۲۴۶، ۱۲۴۷، ۱۲۴۸، ۱۲۴۹، ۱۲۵۰، ۱۲۵۱، ۱۲۵۲، ۱۲۵۳، ۱۲۵۴، ۱۲۵۵، ۱۲۵۶، ۱۲۵۷، ۱۲۵۸، ۱۲۵۹، ۱۲۶۰، ۱۲۶۱، ۱۲۶۲، ۱۲۶۳، ۱۲۶۴، ۱۲۶۵، ۱۲۶۶، ۱۲۶۷، ۱۲۶۸، ۱۲۶۹، ۱۲۷۰، ۱۲۷۱، ۱۲۷۲، ۱۲۷۳، ۱۲۷۴، ۱۲۷۵، ۱۲۷۶، ۱۲۷۷، ۱۲۷۸، ۱۲۷۹، ۱۲۸۰، ۱۲۸۱، ۱۲۸۲، ۱۲۸۳، ۱۲۸۴، ۱۲۸۵، ۱۲۸۶، ۱۲۸۷، ۱۲۸۸، ۱۲۸۹، ۱۲۹۰، ۱۲۹۱، ۱۲۹۲، ۱۲۹۳، ۱۲۹۴، ۱۲۹۵، ۱۲۹۶، ۱۲۹۷، ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۰، ۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۳، ۱۳۰۴، ۱۳۰۵، ۱۳۰۶، ۱۳۰۷، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۲، ۱۳۱۳، ۱۳۱۴، ۱۳۱۵، ۱۳۱۶، ۱۳۱۷، ۱۳۱۸، ۱۳۱۹، ۱۳۲۰، ۱۳۲۱، ۱۳۲۲، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵، ۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴، ۱۳۳۵، ۱۳۳۶، ۱۳۳۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷، ۱۳۴۸، ۱۳۴۹، ۱۳۵۰، ۱۳۵۱، ۱۳۵۲، ۱۳۵۳، ۱۳۵۴، ۱۳۵۵، ۱۳۵۶، ۱۳۵۷، ۱۳۵۸، ۱۳۵۹، ۱۳۶۰، ۱۳۶۱، ۱۳۶۲، ۱۳۶۳، ۱۳۶۴، ۱۳۶۵، ۱۳۶۶، ۱۳۶۷، ۱۳۶۸، ۱۳۶۹، ۱۳۷۰، ۱۳۷۱، ۱۳۷۲، ۱۳۷۳، ۱۳۷۴، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۸، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۱، ۱۳۸۲، ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۸۹، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱،

بزرگت چنانی سلامت کشید و به قتلش آمد. سال آنکه باقی افغانان انگلیس در ضمن گفتگو بر ای اغوای سران کوهستانی بقتل رسیدند (چون لغنت و پتری و غیره) (۱)

روزیکه سردار محمد اکبر خان و سردار سلطان احمد خان به کابل رسیدند روز ۳ رمضان و ۱۳۰۱ نوامبر یعنی روزی بود که بیون امپراتور عمده یعنی بر فتنه انگلیس ها حمله کنند در اولین مجلس که از طرف قائدین ملی انعقاد یافت، نواب محمد زمان خان حق قیادت خود را به سردار محمد اکبر خان گذاشت و افسوسه شد که احکامات خود را بر انگلیس ها تا ثباتی تکامل نشان در ام بدهند (۲)

اما مکنان که از آمدن سردار محمد اکبر خان شنیده بیشتر بریشان شده است که اگر از راه سیاست که از پیش نبرد از طریق جنگ جز بر مادی کمال نتیجه حاصل نخواهد کرد بنا بران بفرگ افتاد زهر طور هست برای تولید اختلاف بین سران نهضت ملی صرف مساعی کند برای این مقصد از یک طرف بد ریخته موهن لال که در چند اول بود بلائی طرح کرد تا قبا تل غلزائی را کاملاً از قوای ملی جدا سازد.

باقیه آنها پیش نهاد کرد که نزد شاه رفته او امر او را اطاعت کنند و دیگر اینکه بر اه جلال آباد را باز نکه دارند و به انگلیس ها آذوقه برسانند (۳) اما باین مقصد هم که قیاب نشد و افعالها دوسرین خود تراشیده از جل القین اسلامیت و اخفایت جدا نشدند آنوقت مکنان بفرگ افتاد تا روسای منفذ را که در بین اقوام رسوخ داشتند ازین بر دارد چنانچه برای این مقصد موهن لال با خلائین ملی چون حاجی علی و آغامحمد داخل مذاکره شده و آنها دو نفر (عبدالعزیز) و (محمد الله) را معرفی کردند که عبدالله خان اچکزائی و دیگر سران بزرگ را بقتل برسانند چنانچه این بدبختان اول الذکر را با میر دوست خان براد ززارة او بضر بگله شهید کرده نفرین دین و دنیا را کما می نمودند حالانکه موهن لال این خدمات شان را تقدیر نکرده گفت که مجاهد موصوف در ضمن زند و خورد در بین انبوه مردم بصورت انقافی شهید شده است (۴) اینست نتیجه خیانت ملی که انسان را خسر الدنیا والاخره میسازد.

بهر حال اگر مکنان شخصاً طرفدار تسلیم و خلیه کابل نبود و هیچگاه ناروز مرگ خویش باین نظریه موافقه ننموده بود و بالعقاب طرفدار و امید و ازبهم زدن روابط سران ملی استفاده از آن بود (۴) باز هم در برابر فشار اکثریت اعضای شورای حرمی و سیاسی که در فتنه انعقاد می یافت در اقلیت مانده و مجبور شد تا سر تسلیم را به مقابل هیچان ملت افغان خم کند و بنا بران فاصله کردند که فراردادی ترتیب داده به بزرگان ملی بفرستند

(۱) موهن لال، کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۴۱۶ .  
 (۲) موهن لال کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۴۱۹ - و ما بعد .  
 (۳) موهن لال کتاب قبل الذکر جلد ۲ صفحه ۴۰۰ و ۴۲۰ (اگر چه بر ساطت نائیب محمد شریف و برخی افراد غلزائی يك مقدار غله به چپاونی انگلیس ها رسانده شده بود مگر دیگر پیش نهادات موهن لال که به حمزه خان کرده بودند صورت عملی اختیار نکرده و این غله جزئی نبرد در بدل ۵۰ هزار روپیه نقد که بمعرفت نائیب محمد شریف گرفته شده بود . توسط نائیب موصوف و خان شیرین خان رسانده شده بود .  
 (۴) مکنان در مکتوبی که از فتنه به موهن لال نوشته مقاصد خود را چنین شرح میدهد اگر این مردم بین خود نزاع پیدا کنند و با موفقی برای تواقف پیدا نمائیم . (بقیه در صفحه ما بعد)

و فرزندانش را به موازات ذیل نسو این کرده ذکر اینچه چو بزرگ و سکنی به نواب محمد زمانخان فرستادند...

(۱) اقوای انگلیس افغانستان را تحلیب میکنند...

(۲) شاه شجاع خلع و به لودیلن ارسال میشود...

بدهد و بعوض انگلیس امیر دوست محمد خان را بکس بیفرستند...

(۳) بکنفی از اسرار این تمامه تعلیه عمل کر انگلیس بقسم کرو...

بوده و احتیاط آذوقه و علوفه را در بدل قیمت نقد میکنند...

(۴) عسکر انگلیس بار دیگر به افغانستان داخل نخواهد شد...

که بیانی دوستی است خواهش آن در اینها بدید...

این فرار داد بدست (مکر بکر) و (لاورنس) ارسال بشود...

فرار دانی بشرح ذیل نسوید و ارسال کرد...

(۱) دوستی انگلیس با افغان به اشخاص امر بر طرف داشت...

و دشمن افغان باشد و بدکه دولتی باشد...

(۲) شاه موصوف اگر از افغانستان خارج نشود...

انگلیس ها به آن دخلی نداشته باشند...

(۳) سیاه انگلیس از افغانستان خارج و بدون خواهش...

دشمن اجنبی با افغانستان بار دیگر داخل نمیکردند...

علوفه را افغانستان برعوض وجه نقد تهیه بدارند...

(۴) تجارت هم پیشه بخواهش و رضای افغانستان است...

(۵) مردم افغانستان را که مخالف حکومت باشند...

و معاش برای شان مقرر نکند...

(۶) اگر روس و غیره از راه افغانستان طرف هند...

اسله و دیون نقد برای دفع آن تهیه نمایند...

(۷) فعلاً آذوقه کسرا آمدن بکسرا انگلیس در عوض قیمت...

انگلیس باید در ظرف سه روز از کابل کوچ کنند...

این معاهده فوری از طرف مکتباتن امضا شد...

عسکر انگلیس را که قسماً در بالاحصار بود...

سه روز تهیه حرکت خود را بنمایند...

بمقابل ۲ هزار نفر غازی ها که نشسته خون انگلیس...

نقل داده و مهم چیزی آذوقه برای انگلیس ها رسانید...

بافوی در آبنده س قاسم رشتیا

(ماباقی صفحه گذشته) نسبت به سفر کردن در میان برف ها خیلی بهتر خواهد بود... این مقصد از دست داده نشود...

(موضوع لال کتاب قبل الذکر جلد ۱۳ - صفحه ۲۳۸)